



مجمع‌التسلطی شورای عالی انقلاب فرهنگی  
دانشگاه تهران

# سوره مبارکه



صدرا لله علیه وآله

استاد اخوت

مدرسه دانشجویی قرآن و عترت تابستان ۱۴۰۰

## فهرست

- 3 ..... مرور کلی آیات سوره‌ی محمد(ص)
- 6 ..... موضوعات کلی سوره
- 8 ..... ارتباط با سوره حوامیم
- 9 ..... سنجش عیار ایمان در سوره
- 10 ..... اراده خدا در گسترش جریان هدایت بوسیله مومنین حقیقی

در این بخش، با مطالعه اولیه آیات سوره، نسبت به مضامین کلی سوره اطلاع حاصل میشود. محورهای اصلی سوره که سطوح ایمان ذکر شده در آن و اراده خدا در گسترش دین با جهاد اهل ایمان است مطرح میشود و به ارتباط سوره با سوره حوامیم - که در مصحف پیش از این سوره واقع شده اند- پرداخته می شود.

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره‌ی مبارکه‌ی محمد(ص) مدنی است، در بین سوره‌های مدنی هم فضای خاصی دارد. تأکیدات سوره بر ایمان و کفر، و از یکسو ایمان و عمل صالح است.

## مرور کلی آیات سوره‌ی محمد(ص)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (۱)

این آیه از کسانی که کفر ورزیدند، وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ خبر می‌دهد، که اعمال آنها أَضَلَّ می‌شود.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ (۲)

واز آن سمت، خبر می‌دهد از کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند و ایمان آنها را اختصاص می‌دهد به بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ

ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ (۳)

علت اینکه چرا اعمال آنها أَضَلَّ می‌شود و چرا اعمال اهل ایمان باعث أَصْلَحَ بَالَهُمْ می‌شود، به دلیل این است که آنها تبعیت از الْبَاطِلَ می‌کنند، تبعیت از الْبَاطِلَ یعنی: تبعیت از چیزی که بن ندارد، اساس ندارد. به همین دلیل وقتی بن ندارد، أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ می‌شوند. أَصْلَحَ بَالَهُمْ نیز به این دلیل است که آنها تبعیت از چیزی می‌کنند که الْحَقُّ است، بن دارد، وجود دارد، به همین دلیل أَصْلَحَ بَالَهُمْ می‌شود.

فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ

به تبع، آیات بعدی درباره‌ی جهاد و قتال در راه خدا است و ثوابی که برای این کار در نظر گرفته شده است و امری که به مؤمنین می‌شود.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنصَرُوهَا اللَّهُ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (۷)

در این آیه نشان می‌دهد خداوند برای نصرت خود قانون گذاشته است و به کسانی عطا می‌کند که به نوعی او را نصرت می‌دهند و برای نصرت مؤمنین و یاری مؤمنین که خدا را یاری بدهند، یک عنایت خاصی قائل شده است که این خیلی نکته‌ی مهمی است که در این سوره است و به تبع کسانی که كَفَرُوا هستند این اتفاق برای آنها نمی‌افتد، دچار حبط اعمال می‌شوند.

در آیه‌ی ده دستور به سیر در زمین داده شده است:

أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهُمْ (۱۰)

طبیعتاً انسان با سیر در زمین، یکسری حقایقی را می‌بیند. آن حقایقی که باید ببیند آیه‌ی یازده است:

## ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ (۱۱)

در این سوره به پشت و پناه داشتن، به حامی داشتن، به ناصر داشتن عنایت ویژه دارد. علت اینکه الَّذِينَ كَفَرُوا به در بسته می‌خورند این است که پشت ندارند، مَوْلَى ندارند، ناصر ندارند. آیات بعدی مقایسه‌ی مؤمنین و کسانی است که كَفَرُوا هستند. بَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ، خصوصیتی است که برای آنها ذکر می‌شود.

آیه‌ی سیزده در مورد این است که چه بسیار شهرهایی که پیامبر(ص) را بیرون کردند، بسیار نیرومندتر بودند، اما آنها هم ناصِر نداشتند و آنها هم هلاک شدند.

آیه‌ی بعدی، بحث بَيِّنَةٍ و اینکه بعضی گرفتار سوء عمل می‌شوند و تبعیت از أَهْوَاءِ می‌کنند، است.

آیه‌ی پانزده موضوع بهشت مطرح می‌شود، آن هم با چه وصفی، وَعِدِ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ

آیه‌ی شانزده سراغ کسانی می‌رود که سخنان پیامبر(ص) را گوش می‌دهند، اما در دل آنها استقرار پیدا نمی‌کند و از أَهْوَاءِ تبعیت می‌کنند. گوش می‌دهند، اما به دل آنها نمی‌نشیند. از آن طرف مقایسه می‌کند با کسانی که هدایت شدند و هدایت آنها به طور مداوم زیاد می‌شود.

آیه‌ی هجده بحث این است که خداوند کافرین را نسبت به قیامت تهدید می‌کند و آیه‌ی نوزده آیه‌ی بسیار مهم و اساسی در این سوره است:

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ (۱۹)

بسیار این موضوع مهم است که خداوند به پیامبر خود دستور می‌دهد که فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ به لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تهلل می‌گویند، و در ادامه وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،

در آیات بعدی نشان می‌دهد کسانی که از جنگ می‌ترسند:

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نَزَّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُنظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنْ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ لَهُمْ (۲۰)

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نَزَّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُنظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنْ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ لَهُمْ (۲۰)

هر دوره‌ای از زندگی بشر، جبهه‌ی مؤمنین و جبهه‌ی کفار بوده است و یک عده‌ای هم بین این افراد بودند، یا در جامعه‌ی مؤمنین بودند. آنها وقتی حادثه‌هایی مثل جنگ می‌شد، مجبور بودند خود را نشان بدهند. خبرهایی مثل جنگ، بحث قتال است، قتال به معنی اینکه ممکن است جان یا مال آنها از بین برود، آنها واکنش‌های بسیار سخت و تند و غضبناکی داشتند.

طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ

در حالی که هم باید اطاعت کنند، هم حرف خوب بزنند، قَوْلٌ مَعْرُوفٌ داشته باشند.

فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صدَّقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ (۲۱)

وقتی حرف قتال می‌آید، ممکن است تصمیم‌گیری‌های اجتماعی به سمتی برود که سایر افراد هم باید با دشمن درگیری داشته باشند. آنها باید همراهی کنند، اما ممکن است آنها این کار را انجام ندهند.

إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ

اگر از این دستورات روی‌گردان شوند، جز این انتظار می‌رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟ آنها هم جزء کسانی می‌شوند که فساد انجام دادند. هر کسی در راه خدا قتال نکند، مثل کسی می‌شود که خود او فساد می‌کند و قطع رحم می‌کند و نتیجه‌ی آن لعنت است. این مواردی که گفتیم نشان می‌دهد برای انسان در بستر اجتماع تعدی مطرح می‌شود و ممکن است دچار لعنت شود، دچار نابینایی شود. آیه‌ی ۲۴ دستور به تدبیر در قرآن است.

آیه‌ی ۲۵ دستور ارتداد را مطرح می‌کند که بعداً مفصل مطرح می‌کنیم.

و کسانی که دچار سَخَطُ خدا شده‌اند. در قلب آنها مَرَضُ بود و کفر در لحن قول آنها مشخص بود و خداوند به قدری این زمین را از امتحانات پر می‌کند که وَلْيَبْلُغُوا حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَبَلِّغُوا أَخْبَارَكُمْ (۳۱) یعنی مقصد هر کسی معلوم شود.

کم کم آیات سوره به سمت انتها می‌رود با این چند آیه که بسیار جالب وضعیت کفار را مشخص می‌کند:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحِطُّ أَعْمَالَهُمْ (۳۲)

سیمای جامعه به این صورت است که عده‌ای می‌توانند به رسول (ص) و به دین ضرر برسانند، اما خداوند خبر می‌دهد که آنها ضرری نمی‌توانند برسانند. به مؤمنین دستور می‌دهد که أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ و اعمال خود را الْبَاطِلَ نکنند. آیات آخر که:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ (۳۴) فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ

هرگز سست نشوید، به صلح دعوت نکنید، در حالی که شما برترین هستید.

وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالَكُمْ (۳۵) إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَإِنْ تَوَمَّنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلُكُمْ أَمْوَالَكُمْ (۳۶)

آیه‌ی ۳۷، الْحَيَاةُ را معرفی می‌کند و اینکه الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَإِنْ تَوَمَّنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلُكُمْ أَمْوَالَكُمْ (۳۶) است. چرا که هر بار هر کدام از آنها را إِنْ يَسْأَلُكُمْوهَا، بخل ورزیدند، خصوصیت الْحَيَاةُ الدُّنْيَا معرفی می‌کند: بخل و کینه.

آیه‌ی آخر مهم است:

هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَدْعُونَ لِنُفُوقِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

مثل اینکه جامعه‌ها برای انفاق در راه خدا انتخاب می‌شوند و اگر جامعه‌ای برای انقلاب کردن و پیشرو بودن انتخاب شد، مثل این است که برای این کار دعوت شده است.

فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ

در برنامه‌هایی که یک مرتبه در جامعه‌ای دین و دینداری علم می‌شود، بعضی‌ها یک مرتبه بخل می‌ورزند و از انقلابی‌گری و کمک به مردم دست برمی‌دارند، آنها به ضرر خودشان کار می‌کنند. مثل این است که یک دعوتی شده است و خودشان، خودشان را محروم می‌کنند.

وَاللَّهُ الْغَنِيُّ

نباید فکر کنند که خدا را کمک می‌کنند، زیرا خدا الْغَنِيُّ است و

وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ

اگر یک زمان دست از این انقلابی‌گری بردارند، چه اتفاقی می‌افتد؟

وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (۳۸)

یک قوم دیگر مثل شما قرار می‌دهد، که آنها مثل شما نخواهند بود. آیه‌ی سنگینی است و انسان باید این آیه را مقابل خود بگذارد، هم در مورد جامعه‌های بزرگ و هم در مورد جمع‌های کوچک است. بعضی مواقع خداوند جمع‌های کوچک، یک جمع جهادی و یک جمع انقلابی را برای انفاق در راه خود انتخاب می‌کند و بعضی در این بین به دلایلی دچار بخل می‌شوند، یا حرف‌های پوچی برای خودشان درست می‌کنند، یا حواسشان درگیر الدنیا می‌شود. هر کس به نوعی دچار بخل می‌شود، یعنی حالت انفاق را از دست می‌دهند. آنها بدانند که:

وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (۳۸)

## موضوعات کلی سوره

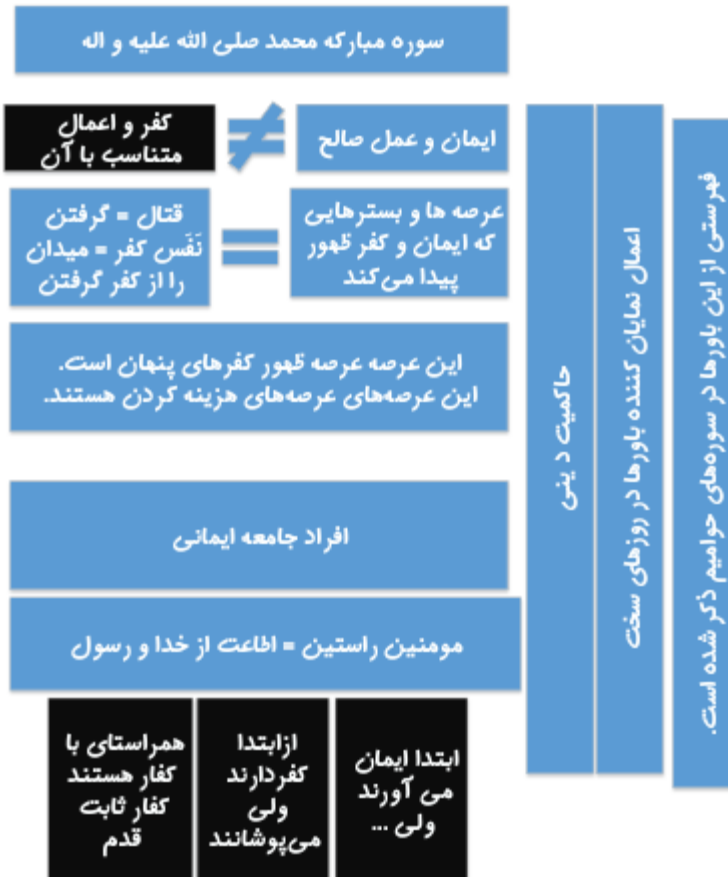
سوره‌ی مبارکه‌ی حضرت محمد<sup>(ص)</sup> به طور واضح در مورد ایمان و کفر، از طرفی ایمان و عمل صالح، تقابل آن با کفر و عمل‌های برگرفته از کفر است و در اغلب آیات این تضاد هست و می‌شود گفت تنها سوره‌ای است که این حالت را دارد و هیچ سوره‌ای به این شکل نیست و این تقابل به این شکل بیان نشده است. علت اینکه چرا در این سوره اینگونه است، طبیعتاً به غرض سوره خیلی وابسته است و مسلماً این تقابل بسیار مهم است که دیده شود. شما می‌توانید راحت بین این دو ویژگی ایمان و کفر را ببینید. عرصه‌ها و بسترهایی که ایمان و عمل **صَالِح** و کفر ظهور پیدا می‌کند در این سوره آمده است و اسم این عرصه و بسترها، عرصه‌ها و بسترهای قتال است. قتال یعنی جاهایی که بنا هست نَفَسِ کفر گرفته شود. قتال به معنای جنگ، به معنایی که ما فکر می‌کنیم نیست و به معنی گرفتن نَفَسِ کفر است. به نظر من اگر قتال اینگونه معنی شود بهتر است، زیرا خیلی وقت‌ها قتال در عرصه رسانه یا عرصه فرهنگی یا ابتدال و بی بندباری می‌آید و این می‌شود گرفتن نَفَسِ کفر، یعنی مجال زیست به او ندهید، میدان را از کفر گرفتن، این قتال است.

در این سوره این موضوع اهمیت پیدا می‌کند و طبیعتاً در این عرصه کسانی که حتی در جامعه‌ی ایمانی دچار کفر شده‌اند خود را آشکار می‌کنند. در حقیقت این عرصه‌ها، عرصه‌ی ظهور کفرهای پنهان است. خصوصیت این عرصه‌ها این است که حتماً عده‌ای باید هزینه کنند و این عرصه‌ها، عرصه‌های هزینه کردن هستند؛ یا هزینه‌ی مالی، جانی و یا هزینه‌ی زمانی. فرد باید به مشقت بیفتد. مشقت به این معنی است که باید معلوم شود این فرد پای ایمان خود ایستاده است یا خیر. در این عرصه‌های هزینه هستند که ایمان و کفر از هم جدا می‌شوند. اتفاقی که می‌افتد این است که بعضی از افراد ابتدا وارد این عرصه می‌شوند.

افراد جامعه‌ی ایمانی چند دسته می‌شوند:

۱. دسته‌ی اول مؤمنین هستند که تا آخر می‌مانند، مؤمنین راستین هستند و تا زمانی که خداوند عنایت کند و آنها را پیش خود بخواند.
  ۲. عده‌ای هستند که ابتدا ایمان می‌آورند ولی کم می‌آورند. مثل امروزه که انتخابات نمی‌روند، می‌گویند: خیر، ما دیگر چیزی را قبول نداریم. کم می‌آورند. ساختار تحلیل آنها می‌سوزد. اینکه انتخابات نمی‌روند و رأی نمی‌دهند چه نفعی برای آنها دارد، معلوم نیست. فقط یک نوع عصبانیت و یک نوع ناراحتی است.
  ۳. یک عده‌ای هم از ابتدا کفر دارند ولی می‌پوشانند. اینها با گروه دوم فرق دارند. از همان اول هم ایمان نمی‌آورند، اما به نرخ روز زندگی می‌کنند.
  ۴. عده‌ای هم هستند که کفر دارند، همراستای با کفار هستند و بودند و راست قامتند. کفار ثابت قدمند و به کفر خود افتخار می‌کنند و ماجرای آنها متفاوت است.
- مورد دو و سه به اضافه‌ی مورد چهار، کسانی هستند که عاقبت خوشی ندارند و در این سوره از هر سه گروه خیلی بد نام نمی‌برد و فقط گروه مؤمنین راستین مورد تمجید قرار می‌گیرند و هر سه گروه به نوعی در این سوره با آنها برخورد شدید می‌شود و مشکل پیدا می‌کنند.
- این کلیت را به عنوان مرور سوره در نظر بگیرید. وقتی به سوره نگاه می‌کنید می‌فهمید یک مدل سوره‌ی مدنی می‌بینید که افراد آن در حاکمیت دینی قرار گرفته‌اند و همه این حرف‌هایی که زده می‌شود در حاکمیت دینی است. اتفاقی که در این حاکمیت دینی می‌افتد این است که به شدت همه‌ی اتفاقاتی که در درون یک انسان می‌افتد، به شکل عمل ظهور پیدا می‌کند. در حقیقت اعمال نماینده یا نمایان کننده‌ی باورهاست. اما در اینجا باورها نیامده است، کدام باورها؟ منظور از باورها چیست؟ اعمال آن که معمولاً اطاعت از خدا و رسول (ص) می‌شود. چرا این نتوانسته است به سمت اطاعت از خدا و رسول (ص) بیاید؟ زیرا باورها سست شده است.





## ارتباط با سوره حوامیم

در سوره مبارکه ی حوامیم فهرست این باورها را داریم و هم اعمال نمایان کننده باورها در روزهای سخت، یعنی **فِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عَلِيمَ جَوَاهِرُ الرِّجَالِ**؛ وقتی سختی ها بروز می کند تازه معلوم می شود که اعتقادات به چه صورت است. می خواهیم ببینیم که این باورها به چه صورت است. این باورها را از کجا بفهمیم؟ فهرستی از این باورها در سوره های حوامیم ذکر شده است. می خواهیم بگوییم که به نحوی سوره ی محمد(ص) و بعد سوره ی مبارکه ی فتح به وسیله ی سوره های مبارکه ی حوامیم پشتیبانی می شود. مطالبی که برای انسان تعجب آور است، که در سوره ی حضرت محمد(ص) به این اندازه با لحن شدید با فردی صحبت می شود که **الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (۱)** و یا اینکه می گوید: **أَعْمَالُ** آنها حبط می شود و **يَا لَأَمْوَالِي لَهُمْ (۱۱)** با شدت با آنها صحبت می شود، که ممکن است افراد تعجب کنند. می گوییم اعتقادات آنها را در کل قرآن ببینید، اما نماینده ی کل قرآن، سوره های حوامیم هستند که چسبیده به این سوره ها هستند، فکر مؤمن در آنها قرار دارد. فکر کنید دست و پای سوره های حوامیم سوره ی محمد(ص) است که اطاعت می کند از خدا و رسول خدا(ص) و درون و قلب که باورها هست سوره های حوامیم است.

## سنجش عیار ایمان در سوره

همانطور که گفته شد، سوره‌ی مبارکه‌ی محمد(ص)، به صورت خاص و ویژه بحث ایمان و عمل **صَالِح** و بحث کفر و اعمال مناسب با کفر را بیان می‌کند. از همه مهم‌تر این سوره عرصه‌ها و بسترهایی که ایمان و همچنین کفر در آن ظهور پیدا می‌کند را ذکر می‌کند. بعضی از عرصه‌ها عیار ایمان را می‌سنجند؛ عیارسنج هستند. کار این عرصه‌ها این است که ارزیابی می‌کنند ایمان هر فردی چقدر ارزش دارد!

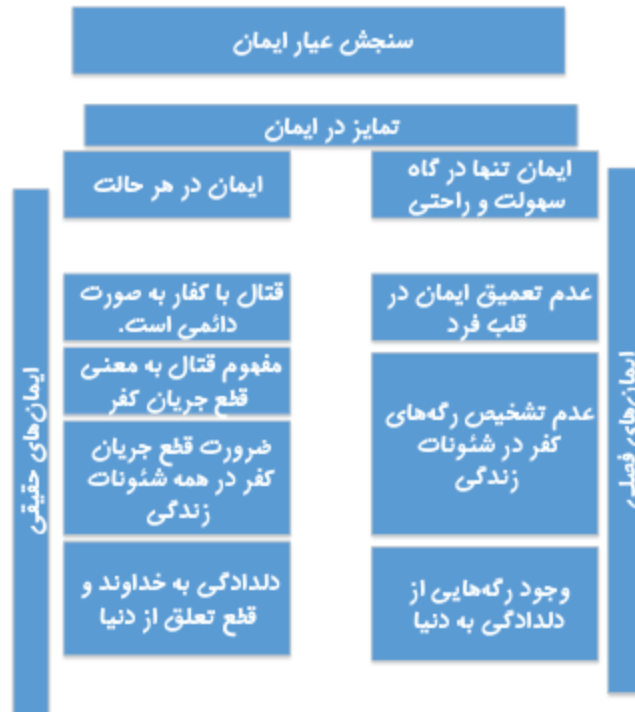
■ بعضی از ایمان‌ها تا زمانی کار می‌کند که اوضاع خوب باشد. فرد ایمان می‌آورد ولی نه در وقت خشکسالی و سختی و جنگ؛ ایمان او زمانی است که در سهولت و راحتی باشد! بعضی از ایمان‌ها اینگونه هستند. بعضی از ایمان‌ها، ایمان در هر شرایطی است. این سوره عیار ایمان و دلایلی که ایمان در چنین وضعیتی قرار می‌گیرد، که تنها در وقت سهولت و راحتی باشد، را مشخص می‌کند. **اینکه ایمان تنها در وقت سهولت و راحتی باشد، را به عدم تعمیق ایمان در قلب فرد ارتباط می‌دهد.**

■ کار دیگر سوره این است: عیار ایمان به این است که فرد اعتقاد داشته باشد که قتال با کفار باید دائمی باشد. علی‌الدوام هست و قطع نمی‌شود. قتال با کفار، تا زمانی که کفر وجود دارد، به عنوان یک فرهنگ ایمانی است! به این علت که مفهوم قتال، به معنای قطع جریان کفر است. اگر ایمان در هر حالتی باشد، فکر قتال هم در هر حالتی هست. اینگونه نیست که یک زمان باشد و زمانی نباشد؛ در شرایطی باشد و در شرایطی نباشد! در وضعیت اقتصادی نباشد، در وضعیت فرهنگی نباشد! در وضعیت علمی، قتال با کفار نباشد. قتال یعنی هر جا که کفر است، با هر لباسی که کفر وجود دارد، قتال باید صورت بگیرد و جریان کفر در هیچ یک از شئون زندگی نباید باشد. **یعنی، ضرورت بر قطع جریان کفر در همه‌ی شئون زندگی.** این مطلب برای افرادی خیلی گران تمام می‌شود و بعضی حاضر نیستند این را بپذیرند. کفار را از بعضی جهات رد می‌کنند و به همین دلیل به تدریج که جلو می‌رود، ممکن است ابتدا کفار را نپذیرند، اما کم‌کم کفار را می‌پذیرند. **عدم تعمیق ایمان در قلب فرد، به علت عدم تشخیص رگه‌های کفر در شئون زندگی است.** گاهی نمی‌تواند تشخیص دهد که کفر می‌تواند در همه‌ی شئون زندگی انسان باشد و به همین دلیل در مقاطعی کفر نفوذ می‌کند. از جمله اینکه دستور قتال با شهر یا کشوری می‌آید، احساس می‌کنند این دستور نابجا است.

■ از طرفی هم در این ایمان **دلدادگی به خدا و قطع تعلق از دنیا** بسیار مهم است. برخلاف این سمت که هنوز رگه‌هایی از دلدادگی به **دُنیا** در فرد وجود دارد. پس، سوره عیار ایمان را می‌سنجد! تفاوتی ندارد در ما یا دیگری باشد، در دو حالت تمایز ایجاد می‌کند و ایمان را متمایز می‌کند.

■ بعضی ایمان‌ها گاه‌گاه هستند! این ایمان را در روایات مستودع، به معنای ودیعه نهاده شده و عاریتی، می‌گویند. بعضی ایمان‌ها مستقر هستند، یعنی دائمی هستند. مستودع و عاریتی یعنی، موسمی و فصلی، ایمان‌های فصلی!

بعضی می‌گویند: به دلیل اینکه فالان اشخاص بد هستند، ما نماز نمی‌خوانیم! عاریتی است. ایمان حقیقی، ایمان سمت چپ در تصویر است.



اگر کسی پرسید: این سوره در مورد چیست؟! بگویید: سنجش ایمان است و عیار ایمان را می‌سنجد! اینکه چقدر ایمان فرد دقیق است یا دقیق نیست.

باید بدانیم وقتی می‌خواهیم با کفر ستیز داشته باشیم، باید با چه چیزی از کفر ستیز داشته باشیم. به عنوان مثال با فردی که میکروسکوپ را اختراع کرده است و ابداعات علمی و پزشکی دارد، ناسازگاری نداریم؛ اینها اتفاقات خوبی است که در عالم هستی می‌افتد. اما با اینکه در چه جهتی استفاده می‌شود، در جهت بهبود اوضاع زندگی انسان استفاده می‌شود یا در ... ، با جهت‌گیری‌های آن مشکل ایجاد می‌شود.

### **اراده خدا در گسترش جریان هدایت بوسیله مومنین حقیقی**

مجدد نگاهی به سوره بیندازیم و کلیتی از خود سوره به دست آوریم.

آیه‌ی پایانی این بود: ای مسلمانان! ای کسانی که توفیق ایمان دارید، مراقب باشید که اگر خوب عمل نکنید قوم دیگری می‌آید و اسلام را در سراسر عالم جاری می‌کند. حواستان باشد که: **يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (۳۸)**، مراقب باشید که این اتفاق نیفتد. پس یکی از موضوعاتی که در این سوره خیلی مهم است و اگر کسی پرسید که سوره محمد(ص) چه می‌گوید؟ می‌فرماید که: خداوند اراده کرده است که به واسطه‌ی ظهور ایمان حقیقی مؤمنین، جریان هدایت در عالم فراگیر شود. وقتی خداوند این را اراده کرده است، اگر مؤمنینی نتوانند به این ایمان حقیقی دست یابند، خداوند جریان هدایت را به وسیله‌ی مؤمنین دیگری که ظهور دهنده‌ی ایمان حقیقی هستند، در عالم می‌گستراند. به هر حال اراده‌ی خدا یکی است و اگر تعدادی آمدند و ایمان حقیقی نداشتند، خداوند این وظیفه را به افراد دیگر می‌دهد. منظور این است که اهداف و مقاصد

الهی بدون تبلور یافتن ایمان حقیقی محقق نمی‌شود. حتماً باید ایمان حقیقی باشد تا مقاصد الهی محقق شود. می‌گویند: ما نداریم و نمی‌توانیم؟! ما امکان و شناخت نداریم! عرضه نداریم! پاسخ این است که گروه دیگری می‌آیند و این کار را انجام می‌دهند. این یکی از نکات مهمی است که این سوره به ویژه آیه‌ی آخر سوره مطرح می‌کند و به نظر می‌رسد که بسیار مهم است. این موضوع در ابتدا بیان شد به این دلیل که در کلّ سوره اثرگذار است.

خداوند اراده کرده است که به واسطه تجرور ایمان حقیقی  
مؤمنین جریان هدایت در عالم فراگیر شود.

اگر مؤمنینی نتوانند به این ایمان حقیقی دست یابند خداوند  
جریان هدایت را به وسیله مؤمنین دیگری که تجرود دهنده  
ایمان حقیقی‌اند در عالم می‌گستراند.

مقاصد الهی بدون تبلور یافتن ایمان حقیقی محقق نمی‌شود.